

ادامه از صفحه اول

نقدی بر اقتصاد دولتی ایران

دولت در ایران روز به روز فربه‌تر و بر هزینه‌های آن نیز افزوده می‌شود و طبیعتا دچار کسری بودجه می‌شود و برای جبران آن اقدام به چاپ پول بدون می‌توانه می‌کند. با وجود اینکه ۴۲ سال از انقلاب می‌گذرد، نه‌تنها دولت کوچک‌تر نشده است، بلکه سال به سال بزرگ‌تر می‌شود و بخش خصوصی نیز اصلا رشد نمی‌کند. اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد خصوصی‌سازی اقتصاد اتفاق نیفتاده است. فرایند بزرگ‌شدن دولت با فساد گسترده و رانت‌خواری همراه بوده و ثبات اقتصادی را نیز از بین برده است. بیش از ۳۰ میلیون نفر به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از دولت حقوق می‌گیرند. آنچه اقتصاد ایران را تهدید می‌کند، قفس آهین انحصارهای مختلف دولتی است که از سیاست گرفته تا فرهنگ و رسانه، اقتصاد و صنعت را از آن خود کرده و یک اقتصاد دولتی فربه، غیرچابک و غیررقابتی شده که توان حرکت، تحول، نوآوری و رشد را از جامعه گرفته است. بنابراین مهم‌ترین پیامدهای اقتصاد دولتی در ایران عبارت‌اند از:

۱- این اقتصاد تورم‌زاست. همواره دولت بزرگ‌تر می‌شود و هزینه‌های آن نیز افزایش یافته و برای جبران هزینه‌ها، دولت مجبور به چاپ اسکناس می‌شود و افزایش نقدینگی حدود ۲۵درصدی در سال، تورم حدود ۳۰درصدی در جامعه ایجاد می‌کند.

۲- افزایش بی‌کاری و کاهش کسب‌وکار. با عدم رشد بخش خصوصی، فضای کسب‌وکار راکد شده و نرخ بی‌کاری افزایش یافته و موجب گسترش فقر نیز می‌شود. گاهی اوقات دولت به‌صورت کاذب، برای ایجاد اشتغال، تعدادی از کارکنان خود را پیش از موعد بازنشسته می‌کند تا افراد بی‌کار را جایگزین آنها بکند که این کار نیز بر صندوق‌های بازنشستگی فشار وارد می‌کند.

۳- افزایش فساد و رانت‌خواری. اقتصاد دولتی در همه جای دنیا اصولا همراه با فساد سیستماتیک و گسترده مواجه است.

۴- تبعیث اقتصاد از سیاست. نباید اقتصاد از سیاست تبعیث کند، بلکه سیاست باید در چارچوب منافع اقتصادی استراتژی خود را تنظیم کند. گفته می‌شود مشکلات اقتصادی ایران علل اقتصادی ندارند بلکه ریشه‌های سیاسی دارند. حتی اگر بهترین اقتصاددانان جهان را هم بیاوریم قادر به حل مشکلات اقتصادی ایران بدون اصلاحات سیاست خارجی نیستند.

۵- رکود اقتصادی همراه با تورم نسبتا عمیق که ناشی از عدم گردش سرمایه در بخش خصوصی است.

۶- شکل‌گیری اقتصاد دلالی در بخش خدمات به خاطر سوددهی بالا و عدم تمایل سرمایه به سوی بخش تولید (بخش صنعت و بخش کشاورزی به خاطر سوددهی پایین).

۷- شکل‌گیری یک مدیریت دولتی تبیل، فشل، غیرمسئول، غیرخلاق و فاسد با بهره‌وری بسیار پایین. رفع همه این ایرادات اقتصاد دولتی تنها با سه تغییر اساسی قابل حل است؛ اول اینکه باید اصلاح اساسی در سیاست خارجی رخ بدهد و ایران بتواند با جهان بیرون از خود تعامل فعال داشته باشد؛ زیرا بدون تعامل فعال با جهان امکان توسعه اقتصادی-اجتماعی پایدار وجود ندارد. دوم اینکه برای رهایی از اقتصاد دولتی فشل و فاسد و رشد بخش خصوصی باید از سرمایه‌گذاری‌های خارجی استفاده شود؛ زیرا برای توسعه و خیزش اقتصادی و پیوند با تکنولوژی روز دنیا سرمایه لازم است و این سرمایه در داخل امکان شکل‌گیری ندارد. سوم اینکه باید یک تحول اساسی در اقتصاد ایران انجام گیرد و آن تکرخ‌کردن ارز، تثبیت قیمت‌ها و حذف بارانه‌های انرژی است. تمامی فساد سیستماتیک ناشی از بارانه‌های انرژی است که این امر باعث قاچاق کالا می‌شود (قاچاق بنزین، نفت، گازوئیل، گوشت و دام زنده، میوه، گندم و…) چون این کالاها در ایران با توجه به داشتن بارانه، ارز‌تان از سایر کشورها تولید می‌شود و دولت با همه توانمندی‌هایش قادر به جلوگیری از قاچاق نیست. اینها اصلاحات اساسی و زیربنایی برای توسعه پایدار است و بقیه مواردی که از آنها تحت عنوان اصلاح جامعه نام برده می‌شود، امور روتینایی، غیراساسی و ناقافی است.

« عضو هیئت‌علمی بازنشسته دانشگاه

کوتاه دیپلماسی

گروسی: به فعالیت‌های خود با ایران ادامه می‌دهیم

● ایستا: رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز چهارشنبه در گفت‌وگو با شبکه الجزیره به سؤالاتی درباره همکاری دیدهبان هسته‌ای سازمان ملل با ایران و برنامه هسته‌ای ایران پاسخ داد. گروسی اظهار کرد: «درباره چند موضوع نتوانسته‌ایم به پیشرفت مدنظر خود با ایران دست پیدا کنیم». او در ادامه گفت: «اما آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، این است که می‌توانیم کماکان به فعالیت‌های خود به صورت دوجانبه با ایران ادامه دهیم». مدیرکل آژانس همچنین خاطرنشان کرد: «در مرحله بعد ما نیازمند به پاسخ یک‌سری سؤال‌هایی هستیم که آژانس برای تهران مطرح کرده است».

دیپلماسی

سرنوشت دیپلماسی چه خواهد بود؟

سرکردگی عربستان سعودی تلاش‌های جدیدی را در جهت تنش‌زدایی با ایران شروع کرده‌اند؛ ازاین‌رو، احتمالا اولین اقدام این کشورها توقف موقت فرایند تنش‌زدایی باشد تا پس از بررسی دقیق موضوع دولت جدید، درخصوص اقدامات بعدی تصمیم‌گیری کنند.

از طرف دیگر، به نظر می‌رسد تحکیم رابطه با کشورهایی مانند ترکیه، قطر و جمهوری آذربایجان از اهداف دولت آتی اصولگرا باشد؛ اقدامی که احتمالا با استقبال این کشورها مواجه می‌شود. نوع رابطه دولت بعد با کشور عراق، وابسته به دولت مستقر در این کشور است. چنانچه دولت فعلی در عراق مستقر بماند، پیش‌بینی می‌شود سطح رابطه و تنازع در همین سطح فعلی باقی بماند. اما چنانچه ایران بخواهد نفوذ سیاسی و اقتصادی بیشتری در عراق به دست آورد، ممکن است به تقابل بیشتر دولت عراق با برخی گروه‌ها و تحت تأثیر قرارگرفتن روابط دیپلماتیک طرفین منجر شود.

دولت آتی، در پی تحکیم روابط خود با چین و روسیه بر خواهد آمد. اما روابط سیاسی و اقتصادی ایران با این دو ابرقدرت جهانی، در درجه اول تابعی از مذاکرات احیای برجام است و همین امر باعث می‌شود دولت آتی، تکلیف خود با برجام را شفاف کند. اما از آنجا که عقبه اصولگرایی در این سال‌ها برجام را خسارت محض دانسته و آن را منکوب کرده، دولت مجبور است سیاست دیوپهلویی در این زمینه در پیش گیرد که همین امر، عدم تمایل چین و روسیه به افزایش سطح روابط اقتصادی را به همراه دارد. البته، سطح رابطه ایران و چین و ایران و روسیه متفاوت خواهد بود. ایران به پشتیبانی اقتصادی چین و پشتیبانی سیاسی روسیه نیاز دارد. چه در تحریم و چه در شرایط پساتحریم، رابطه ایران و چین فراز و فرودهایی خواهد داشت. اما بدون رفع تحریم به نظر نمی‌رسد سطح رابطه با روسیه تفاوتی کند.

چنانچه دولتی اصولگرا بر سر کار بیاید، رابطه اروپا با ایران دچار یک تغییر پارادایم خواهد شد. اروپایی‌ها پیش‌تر نشان داده‌اند علاقه چندانی به دولت‌های اصولگرا ندارند. موضوع دولت ایران در برخورد با

ماجرای بدهی ایران به سازمان ملل

چرا تعلیق حق رأی ایران در سازمان ملل اجرائی نمی‌شود

طریف به گوترش نامه نوشت



رأی آنها در این سازمان را غیرمنطقی و نادرست خوانده و اضافه کرده است: «مردم ایران به اجبار یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل از انتقال پول و منابع خود برای خرید حتی دارو و غذا (چه برسد به پرداخت بدهی‌های معوق سازمان ملل) منع شده‌اند و متأسفانه دیرخانه سازمان ملل ظرف سه سال گذشته در قبال این جنایت علیه بشریت بی‌اعتنا بوده است».

وزیر امور خارجه تأکید کرد: «اقدامات غیرقانونی آمریکا در جنگ و تروریسم اقتصادی به ظرفیت ایران برای انتقال سهم مالی خود به سازمان ملل، و تعداد دیگری از سازمان‌های بین‌المللی آسیب رسانده است و این عدم انتقال نتیجه مستقیم محدودیت شدید روابط بانکی ایران با دنیای خارج و مسدودکردن منابع نقدی چندمیلیارددلاری است».

ایران در کره‌جنوبی، ژاپن، عراق و دیگر بانک‌ها بوده است».
طریف از اینکه یک عضو مؤسس سازمان ملل متحد به دلیل وجود شرایطی کاملا خارج از کنترل خود که ناشی از اقدامات غیرقانونی و یک‌جانبه دولتی دیگر بوده، از حق رأی خود محروم شده، ابراز تأسف کرد.
طریف اضافه کرد: «جمهوری کرد: «منشور ملل متحد این اختیار را به مجمع عمومی می‌دهد که تصمیم بگیرد «عدم پرداخت (سهم مالی) ناشی از شرایط خارج از کنترل عضو بوده است» و در این صورت آن کشور همچنان امکان رأی‌دادن خواهد داشت. بر اساس این جمهوری اسلامی ایران اطلاعیه تعلیق حق رأی خود را رد می‌کند».
طریف یادآور شد: «جمهوری اسلامی ایران کاملا به انجام تعهدات مالی خود در قبال سازمان ملل متحد متعهد است و به محض اینکه این شرایط تحمیلی- یعنی اقدامات قهرآمیز غیرقانونی و یک‌جانبه ایالات متحده- برداشته شود، به همه تلاش‌های خود در راستای تسویه سهم مالی معوق خود نسبت به سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی ادامه خواهد داد».

تا پایان تابستان چیزی عوض نمی‌شود

اما در آنچه دبیرکل اعلام کرده است، این تصمیم به‌عنوان تصمیمی که همین حالا وارد مرحله اجرائی می‌شود، مطرح نشده است. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، روز یکشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد که سازمان ملل متحد در پی احیای برجام و پیروزی در مذاکرات است. او با بیان اینکه دیرخانه سازمان ملل متحد کاملا به جریان جزئیات مشکل ایجا‌داشته است، اضافه کرد: «مشکل پیش‌آمده در پرداخت حق عضویت جمهوری اسلامی ایران در سال گذشته به دلیل تحریم‌های ظالمانه آمریکا بود که مانع از انتقال به‌موقع حق عضویت ایران شد که در این زمینه طبیعتا قصوری وزارت امور ایران نبوده است». سخنگوی وزارت امور خارجه یادآور شد: «در مذاکرات انجام‌شده با خزانه‌داری سازمان ملل، ضمن ارائه راهکار پیشنهادی انتقال پول از محل منابع مالی ایران در کره‌جنوبی، مقرر شد آن سازمان ضمن تلاش برای رفع موانع انتقال پول تخصیص یافتن از سوی جمهوری اسلامی ایران، مجوز اوقف در زمینه انتقال پول را پیگیری کند». خطیب‌زاده ادامه داد: «به‌تازگی این مجوز صادر

اسرائیل مهم‌ترین مسئله‌ای است که می‌تواند رابطه فعلی را تحت تأثیر قرار دهد. به نظر می‌رسد در صورت احیای برجام و پیروزی یک دولت اصولگرا، اتحادیه اروپا مسائل حقوق بشر در ایران را بیش از پیش مورد توجه قرار دهد. تعیین تکلیف زندانیان دوتابعیتی یکی از مسائلی است که در دولت آتی می‌تواند مشکل‌ساز شود.

اما مهم‌ترین عکس‌العمل به استقرار دولت اصولگرا در ایران را باید در برخورد دولت آمریکا جست. آمریکایی‌ها علاقه دارند که روند احیای برجام در دولت فعلی به نتیجه برسد. اما این شروع یک فرایند است. آنها بارها اعلام کرده‌اند که برجام، کف خواسته‌های غرب از ایران بوده و ایران باید درخصوص مسائل منطقه‌ای و حقوق بشری نیز وارد مذاکره شود. گرچه ایران مذاکره در این خصوص را رد کرده، به نظر می‌رسد جهت بهره‌مندی کامل از واهم برجام ممکن است در یک سطح مشخص، درخصوص این موارد وارد مذاکره با آمریکا شود. استقرار یک دولت اصولگرا بهترین گزینه برای آمریکا جهت دستیابی به این هدف است. دولت‌های اصلاح‌طلب، محدودیت‌هایی جهت مذاکره در این خصوص دارند و دولت آمریکا نیز این را به خوبی می‌داند؛ ازاین‌رو ترجیح می‌دهد با دولتی مذاکره کند که اجازه مذاکره در این خصوص را خواهد داشت. در دکترین جدید آمریکا، دولت این کشور علاقه دارد تنش‌های خاورمیانه کاهش یابد تا تمرکز کافی بر شرق آسیا داشته باشد. پروژه برجام بخشی از این دکترین بود اما به منظور به‌نتیجه‌رسیدن آن لازم است پیوسته‌های منطقه‌ای برجام نیز اجرائی شود. در این شرایط، وجود یک دولت با اختیارات کافی جهت گسترش ابعاد برجام برای آمریکا مطلوب است.

آنچه به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت، این است که با شروع به کار یک دولت اصولگرا، هم‌گرایی برادرهای دیپلماتیک فعلی دچار تششت شده که باعث تضاد منافع کشورهای مختلف با سیاست‌های خارجی یک دولت اصولگرا خواهد شد. بنابراین دستگاه دیپلماسی ایران روزهای سخت و پرتنش‌ی را تجربه می‌کند.

شده و مسیر برداشت مبلغ حق عضویت از حساب ایران در بانک کراهی و انتقال آن به حساب سازمان ملل در سنول هموار شده است و این پرداخت به‌زودی انجام خواهد شد».

همه راه‌ها به وین ختم می‌شود

ایران البته احتمالا یک تفاوت مهم با دیگر کشورهایی دارد که شامل نامه گوترش شده‌اند. عدم پرداخت سهم ایران به سازمان ملل متحد نه به خاطر فقدان منابع مالی بوده است و نه به خاطر تصمیم ایران برای خودداری از پرداخت سهمش. اصل این مسئله که اکنون به نظر می‌رسد پیش از تبدیل‌شدن به مشکل، در حال حل‌شدن باشد، مربوط به تحریم‌های آمریکا علیه ایران و کارزار فشار حداکثری است که در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، پیگیری شدند. این تحریم‌ها که یکی از اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد عامل آنها بود و البته این فرایند را برخلاف قطع‌نامه آن شورا اجرائی می‌کرد، مانع از نقل و انتقال منابع مالی ایران به سازمان ملل می‌شدند و همین محدودیت خارج از کنترل ایران است که باعث شده دستگاه دیپلماسی ایران ادا کند طبق منشور سازمان ملل از تعلیق حق رأی به دلیل بدهی مضمون است. آنچه مشخص است این است که درصورتی‌که این تحریم‌ها رفع شوند، ایران می‌تواند از مجاری مختلفی که در دسترس خواهد داشت، بدهی خود را تسویه کند و اگر اخباری که از وین می‌رسند به همین شکل ادامه یابند، هفت‌ه‌ها پیش از پایان این دوره این تسویه انجام خواهد شد.

از طرف دیگر، همین حالا منابع مالی چندمیلیارددلاری ایران در کره‌جنوبی به‌عنوان منبع انتخاب‌شده برای تسویه بدهی معرفی شده است. اصل وجود این مبلغ متعلق به ایران در کره‌جنوبی نیز حاصل همان اتفاق رخ فشارده‌ای بوده است که ستول به خاطر آنها حاضر نشده بدهی‌های خود به ایران را تسویه کند. در چند نوبت که گفت‌وگوها بین ایران و کره‌جنوبی برای تسویه این بدهی با استفاده از آن و انتقال آن برای استفاده‌های دیگر از سوی ایران همواره به دیوار مشابهی برخورد کرده‌اند؛ ستول بدون دریافت تأییدیه از واشنگتن اقدامی جز عذرخواهی از ایران در این زمینه نمی‌کند. اگر اکنون کره‌جنوبی بالاخره بپذیرد که بگذارد ایران بخش اندکی از منابع مالی خود در سنول را استفاده کند، احتمالا یا به خاطر کسب اطمینان از عدم واکنش واشنگتن خواهد بود یا اساسا بعد از حذف مسئله تحریم‌های این اتفاق رخ خواهد داد. در حالت اول، برقراری گفت‌وگوهای احیای برجام در وین انگیزه واشنگتن برای رفع فشار خواهد بود و در حالت دوم نیز اصل اتفاق با به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات رخ خواهد داد. به عبارتی، مانند مسئله اختلاف ایران با آژانس، محدودیت‌های ایران در تهیه واکسن و برخی مسائل دیگر، مسئله بدهی ایران به سازمان ملل متحد نیز به نحوی از انحا، در نتیجه گفت‌وگوهایی که ایران در وین پی می‌گیرد، حل خواهد شد. به عبارتی اگر فرایند تخریب برجام و فشارهای حاصل از آن، به مجموعه‌ای از تبعات مستقیم و غیرمستقیم منجر شده است، احیای برجام و رفع آن فشارها نیز مجموعه‌ای از مسائل ایران در صحنه بین‌المللی را حل خواهد کرد.

ادامه از صفحه اول

داستان کاموس‌کشانی^(۱)

هومان، برادر پیران ویسه که از کشته‌شدن ارژنگ سخت آزرده و خشمگین بود، فرمان پیران را نادیده گرفته، به این سوی رود تاخت و با نیه‌ای درخشان در برابر سپاه ایران به رزم جویی ایستاد.

توس از خرگاه خود بیرون آمده، به هومان گفت: «ای شوربخت، از آن توران‌زمین، مرد برنخیزد، مگر ندیدی چه بر پهلوان تان، ارژنگ آمد و اکنون تو به نبرد آمده‌ای؛ سوگند به جان شهریار ایران به نبرد تو آیم بی‌آنکه جوشنی بر تن کنم و کلاهخودی بر سر گذارم». هومان در پاسخ گفت: «خویش را بزرگ مبتدار که خودبزرگ‌بینی، نه از سر دریات و خرد که نشانه بی‌خردی است، نیندار ارژنگ آن‌گونه آسان جان سپرد که سپهر گردون، پایان زندگی او را رقم زده بود و پیمانه‌اش لبلاب شده بود. اکنون آمده‌ام تا با پهلوانان ایران‌زمین بجنگم و ایرانیان را شرم نیست که سپهدارشان را به مبارزه می‌فرستند؟ پس بیژن و گیو و گودرز از خاندان کشوادگان کجایند که تو به نبرد آمده‌ای؟ تو برو و نگهبان اختر کاویانی باش که سپهبد خود به رزمگاه نیاید. از میان پهلوانان ایران بین کدام شایسته مبارزه با من است که اگر تو به دست من کشته شوی، سپاه ایران بی‌سر و پیرشان گشته، به دست تورانان نابود خواهند شد و نیز مرا در دل تناشی است که تو فرزند نودر، شهریار ایران هستی و از کشته‌شدن او به دست افراسیاب دلی پردرد دارم. تو پهلوانی هستی که پس از رستم هماره تو را ستوده‌ام؛ پس بازگرد و از میان سپاه خود پهلوانی را روانه گردان تا با او به مبارزه برخیزم». توس گفت: «ای سرفراز پهلوان، من، هم سپهبد این سپاه هستم و هاهم مردی نبرده و تو نیز پهلوانی پراوازه از سپاه توران و از خاندان ویسه و خسرو به من فرمان داده که پیران در این نبرد بی‌گزند بماند. تو نیز به خیره جان خویش بر باد مده، مبارزی را به میدان بفرستی که سزاوار نبرد و کشتن نباشد. دوست نمی‌دارم از خاندان تو، کسی به دست من کشته شود». هومان گفت: «بدان که پیران هرگز سودای نبرد ندارد و اگر شاه ایران فرمانی دهد، آرزومندم که دل به فرمان او بسپارم». در این گفت‌وگوی بودند که گیو به خشم آمده، بر توس فریاد برآورد: «این‌تورانی با تو چه می‌گوید، چرا در میان دو سپاه به راز به گفت‌وگو ایستاده‌اید، این مرد از همان خاندان فریکار است، سخن جز با زبان شمشیر با او مگوی و از در آشتی به هیچ روی وارد مشو». هومان چون سخن گیو را بشنید، سخت برآشف‌ت و گفت: «ای کرگشته‌بخت، آرزو می‌کنم از گیو و گودرز و خاندان کشوادبان کسی بر این زمین دیگر گام نگذارد، تو نبردهای مرا بسیار دیده‌ای، چنان کنم که از پشت کشواد کس به جای نماند، از خاندان تو کسی نمانده که طعم تیغ مرا نچشیده باشد. بخت بر تو پشت کرده و در خاندان تو همیشه ششیون خواهد بود. اگر من به دست توس کشته شوم، در سپاه توران رخنه‌ای نخواهد افتاد، پیران و افراسیاب به جای مانده‌اند و انتقام خون مرا خواهند گرفت و اگر توس به دست من تباه شود، یک سپاهی از ایران نخواهد توانست به مین خویشت بازگردد. تو در مرگ برادر خویشت گریه کن، چرا دربارہ توس داوری می‌کنی؟». توس گفت: «گفت‌وگو دیگر بس است، بسا چین بر ابروان افکنده، بر یکدیگر بتازیم». هومان در پاسخ گفت: «مرگ داد است، زمان تاج بر سر داشته باشی، خواه ترک و اگر زمان من فرا رسیده باشد، چه زیباتر که به دست نبرده‌ای هنرمند چون تو کشته شوم». بدین‌گونه دو پهلوان عمود گران در دست بر یکدیگر تاختند و از چرخش اسبان به دور یکدیگر، زمین گردان شد و میدان کارزار را ابری سنگین از غبار پوشاند. سپرها، زخم زده‌های دو مبارز را از آسیب بازداشت و آوای پولاد طنین‌افکن شد، سپرها چاک چاک گردید و نیزه‌ها در دست‌هایشان شکست و آن‌گاه به شمشیر چنگ زدند و از پولاد، آتش فروریخت و از نیروی دو پهلوان، تیغ تیغ خمیده شد و شمشیرها درهم شکست و به ناچار شمشیر رها کرده، دوال کمر یکدیگر را گرفتند. بار هم هیچ یک نتوانست آن دیگری را از زین برکنده، بر زمین زند، سرانجام دوال کمر هومان گسسته شد و هومان از مرگ رهایی یافت. توس دست سوی ترکش برده، کمان را به زه کرد و هومان را به تیرباران گرفت. هومان سپر بر سر کشیده، از پولاد پیکان و بر عقاب در امان ماند. یکی از تیرهای توس، اسب هومان را از پای درآورد و هومان پیش از سقوط اسب بر دو پای خویش بر زمین ایستاد و سپاه نظاره‌گر تورانی، اسبی زین‌شده به هومان سپرد تا جای او در سپاه خالی نماند و چون برزین تکیه زد، شمشیری برگرفت تا دگرباره بر توس بتازد و یاران توس شمشیری به او سپردند تا آوای چکاچک شمشیرها باز هم طنین‌افکن شود و سرانجام پس از نبردی درازدامن، تاریکی از راه رسید، هومان عنان پیچید و به سپاه خویش نزد پیران بازگشت. چو شد روز تاریک و بی‌گاه گشت/ ز جنگ یلان دست کوتاه گشت/ ببیچید هومان جنگی عنان/

به سپهبد بدو راست کرده سنان/ به نزدیک پیران شد از رزمگاه/ خروشی برآمد ز توران سپاه/ همی گفت هومان چه مرد من است/ که ییل ژبان هم‌نبرد من است.